

انقلاب ارتباطات

و

افزایش تقاضا از نظام‌های سیاسی

ناصر پورحسن

پیشرفت‌های اعجاب‌آور چند دهه گذشته در حوزه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و رسانه‌های ارتباطی - که با رشد تصاعدی همچنان نیز ادامه دارد - بسیاری از محققان نحله‌های فکری و حوزه‌های معرفتی را بر آن داشته است تا از شکل‌گیری عصری جدید یا مرحله‌ای نوین در فرایند تاریخ و تحول تمدن بشری به نام «عصر اطلاعات»، سخن به میان آورند. استفاده گسترده و روزافزون از واژه‌هایی نظیر: «عصر ارتباطات»، «انقلاب تکنوترونیک»، «جامعه مجازی»، «دهکده جهانی»، «موج سوم تمدن بشری»، و... جملگی گواهی است به تلاش برای تصدیق و نامگذاری چنین تحولی. از این رو باید اذعان نمود که انقلاب اطلاعات به وسیله ایجاد تحولات زیربنایی در ساختار و عملکرد نظام ارتباطی جهان، موجب شده است تا علاوه بر آنکه بسیاری از مناسبات پیشین متحول گردد، بازبینی بخش اعظمی از مفاهیم سنتی نیز به عنوان یک ضرورت حتمی، در دستور کار محققان قرار گیرد.

از جمله مفاهیمی که در این رابطه متحول شده است، رابطه متقابل فرد - حکومت می‌باشد. ظهور وسایل نوین ارتباطی، دوباره حدود اختیارات و قدرت فرد و حکومت - که از جمله مباحث قدیمی فلسفه سیاسی است - را به مرکز ثقل مباحث سیاسی کشانده است. بنا به ماهیت دوگانه این نوع وسایل ارتباطی، به طور کلی دو دسته نظریه مطرح شده است. عده‌ای معتقدند، وسایل ارتباطی نوین به تمرکز قدرت در دست حکومت انجامیده، توانایی تنظیمی حکومت را در کنار توانایی نمادین آنها افزایش داده و در نهایت به کنترل تمام عیار حکومت منتهی شده است. طرفداران این عقیده، از آن به عنوان «انقلاب کنترل» یاد کرده‌اند.

گروه دوم، رسانه‌های نوین ارتباطی را به مثابه ابزاری برای شرکت گسترده فرد در فرایند سیاسی دانسته و از عناوینی چون: «دموکراسی کامپیوتری» و «دموکراسی مستقیم» برای بیان اندیشه خویش استفاده کرده‌اند. در این نوشتار به بررسی آثار رسانه‌های نوین ارتباطی در افزایش قدرت فرد و شرکت گسترده‌تر وی در فرایند سیاسی می‌پردازیم.*

در ابتدا لازم است، مفهوم اصلی مقاله که انقلاب ارتباطات است، تعریف شود. از نقطه نظر تکنولوژیکی، انقلاب ارتباطات ترکیبی از سه جزء اصلی متمایز و در عین حال مرتبط با هم است: نخست توسعه سریع و قابل اتکای سیستم‌های ارتباطات دوربرد مانند تلفن، فاکس، ماهواره‌های مخابراتی، تله‌تایپ ... دوم، تحول سریع و گسترده تکنولوژی ارتباطات صوتی - تصویری نظیر ایستگاه‌های رادیویی، تلویزیونی، ویدئو، تلویزیون کابلی و ماهواره‌های تلویزیونی و سوم تمهیدات و شیوه‌های شمارش‌گری و محاسبه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از جمله تحولات متوالی سخت‌افزاری در رایانه‌ها.

یکی از تجلیات بارز و شگفت‌آور این هم‌تافتی و ترکیب، شکل‌گیری و ایجاد بزرگراه‌های اطلاعاتی است که از طریق آنها همه نوع پیام از قبیل: اخبار، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، فیلم، بازی‌های تفریحی، منابع و مجموعه‌های کتابخانه‌ها، آگهی‌های تجاری، آمار و ... در آن واحد و در یک خط مستقیم در حرکت باشند.

ابراهیم‌الله اطلاعاتی در واقع محصول نزدیکی و اتحاد سه تکنولوژی متفاوت یعنی صنایع کامپیوتر، نرم‌افزار و برنامه‌نویسی - صنایع فیلمسازی، سینما و تلویزیون - و صنایع مخابرات، ارتباطات راه دور و الکترونیک است. همکاری این سه صنعت - که به طور خلاصه همکاری تلویزیون، تلفن و رایانه است - فعلاً در اینترنت تجلی یافته است.

وسایل جدید ارتباطی دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را از وسایل قدیمی ارتباطی جدا می‌کند. به طور خلاصه این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. اکولوژیکی بودن: یعنی تأکید بر وسعت و قابلیت تأثیرگذاری آنان در تحولات اجتماعی؛
۲. همه جا حاضر بودن: رسانه‌ها با تداوم و توسعه حواس آدمی اجازه می‌دهند تا حوزه عمل حواس آدمی

گسترش یافته و حضور وی در ورای زمان و مکان در پهنه جهان گسترش یابد.

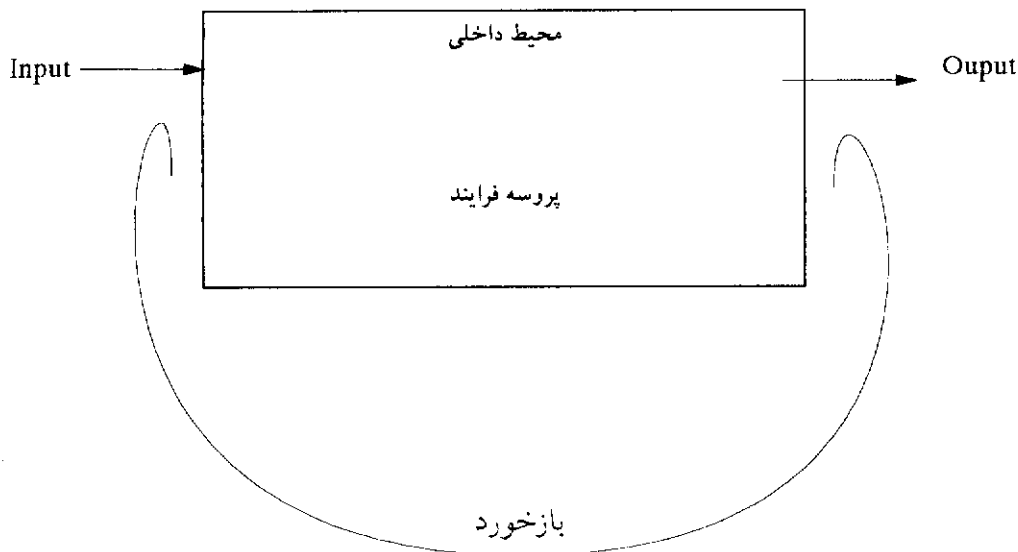
۳. سرعت: سرعت انتشار اطلاعات به وسیله رسانه‌های نوین ارتباطی به گونه‌ای است که می‌توان در هر ثانیه و در آن واحد، میلیون‌ها خبر اطلاعاتی را از این سو به آن سوی جهان منتقل نمود.^۱ در این مقاله، از رهیافت سیستمیک یا نظریه سیستم‌ها و ساز و کار آن استفاده می‌شود. «سیستم» یا «نظام» یکی از متداول‌ترین واژه‌ها در ادبیات علوم سیاسی است که در پی وقوع انقلاب رفتاری وارد این حوزه شد. در این تعبیر،

■ در آینده دانش و اطلاعات، به مهمترین منبع قدرت مبدل شده و قدرت هر فرد، گروه اجتماعی یا کشور براساس ظرفیت داده‌پردازی و انباشت اطلاعات آن سنجیده خواهد شد.

سیستم سیاسی، مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل است که از طریق آن ارزش‌ها، خدمات و کالاها برحسب قدرت معتبر برای همه بخش‌های جامعه سهم‌بندی می‌شود.^۲ میزان ظرفیت هر نظام نسبت به شرایط محیطی است، زیرا هر نظام متشکل از محیط داخلی است که خود در محیط بزرگتری زندگی می‌کند.

یک نظام یا سیستم در ساده‌ترین تعریف در شکل زیر آمده است.

یکی از پیامدهای اصلی و مهم انقلاب ارتباطات تعامل میان دو محیط خارجی و داخلی سیستم سیاسی است. رسانه‌های نوین ارتباطی، بر فواید مرزهای داخلی و خارجی نظام سیاسی موجب پیوند افراد شده و همین ابزارها به صورت کانال‌های



نوارها و استفاده از ضبط صوت در آزمایشگاه‌های زبان و کامپیوترهای شخصی و... تنها گوشه‌ای از کارکردهای آموزشی این رسانه‌ها می‌باشند.

ب) کارکردهای سیاسی وسایل نوین ارتباطی

۱. کسب اطلاعات سیاسی: افراد، امروز بیشتر مطالب و اطلاعات سیاسی خود را از وسایل ارتباطی به دست می‌آورند. این درحالی است که قبل از پیدایش این وسایل، تنها تجربه شخصی، معاشرت با افراد آگاه و مطالعه کتب، تنها راه‌های کسب اطلاعات سیاسی بوده است. در تحقیقاتی که در آمریکا در مورد سه موضوع مهم یعنی، رسوایی واترگیت، جنگ ویتنام و اطلاعات مربوط به کاندیداهای ریاست‌جمهوری طی چندین دوره مبارزه انتخاباتی انجام شده است، همانطور که انتظار می‌رفت، تقریباً همه بزرگان گفته‌اند که بخش عمده اطلاعات خود را از رسانه‌های گروهی کسب می‌کنند.^۴ کاربردهای نوینی که رسانه‌های جدید ارتباطی در زمینه آگاهی‌بخشی سیاسی دارند، جایگاه مهمتری در ارائه اطلاعات سیاسی به افراد به خود اختصاص داده‌اند.

ارتباط جمعی با اوقات فراغت انسانها سروکار دارند. بنابراین جزئی از کاربرد وسایل ارتباطی صرفاً تفریح و تفنن انسانهاست تا از آنها موجوداتی توانا و خلاق به بار آورد.^۲

۲. نقش خبری: یکی دیگر از کارکردهای مهم وسایل ارتباط جمعی، پخش اخبار و اطلاعات در میان مردم است. البته این کاربرد خبری رسانه‌ها بسیار متنوع است زیرا از یک سو در بعضی از کشورها که کنترل بیشتری بر روی جریان پخش اخبار اعمال می‌شود، اخبار تقریباً یکدستی را به افراد می‌دهد و با اخبار متنوع کشورهای دموکراتیک متفاوت است. اگر چه در ظاهر این کاربرد وسایل ارتباطی، سیاسی نیست اما تمیز آن از سیاست بسیار مشکل است.

۳. نقش آموزشی: آموزش به انحاء مختلف از کارکردهای اساسی رسانه‌ها به شمار می‌رود. اگر به‌طور ریشه‌ای به رابطه وسایل ارتباطی و آموزش بپردازیم، باید از جامعه‌پذیری شروع کنیم. جامعه‌پذیری سیاسی برخلاف جامعه‌پذیری عمومی کاربرد کاملاً سیاسی رسانه‌هاست که در قسمت بعدی بررسی می‌شود. درهرحال امروزه وسایل جدید ارتباطی مانند: رادیو و تلویزیون آموزشی، فیلم‌های تربیتی، درس‌های زبان آموزی بر روی صفحات و

مهم تقاضا از محیط خارجی و تسریع و تشدید تقاضاهای محیط داخلی شده است.

کارکردهای رسانه‌های نوین ارتباطی بررسی کارکردهای وسایل ارتباط

جمعی در دنیایی که هر روز بیش از پیش شاهد گسترش این وسایل است، کار ساده‌ای نیست. امروزه این وسایل تمامی حیات انسانی را دربر می‌گیرند. زندگی معمولاً با این وسایل آغاز شده و تا پایان در کنار و همراه آنها سیر می‌کند. این وسایل تمامی جهات و ابعاد انسانی را متأثر ساخته‌اند. همه جا و به هر صورت پیام وسایل ارتباطی شنیده می‌شود و امواج این وسایل به همه روزنه‌ها و آنچه در تمامی تاریخ انسان، حریم امن تلقی می‌شده‌اند، رسوخ پیدا کرده است. هر چند تفکیک میان کارکردهای سیاسی وسایل ارتباطی از کارکردهای غیرسیاسی آنها بسیار مشکل است و در تمام کارکردهای این وسایل به نحو ظریفی آثار سیاست پیداست، اما با اینحال برای فهم بهتر موضوع آنها را از هم تفکیک می‌کنیم.

الف) کارکردهای عمومی رسانه‌های نوین ارتباطی:

۱. کاربرد تفریحی: به‌طور معمول وسایل

۲. جامعه‌پذیری سیاسی: جامعه‌پذیری^۵ یعنی شیوه آشناسد کردن کودکان با ارزش‌ها و ایستاره‌های جامعه خویش و جامعه‌پذیری سیاسی^۶ بخشی از همین فرایند است که طی آن ایستاره‌های سیاسی فرد شکل می‌گیرد.^۷ اجتماعی‌شدن سیاسی، فرایندی است مشتمل بر شناخت (یعنی آنچه که فرد درباره نظام، موجودیت و نوع عملکرد آن می‌داند و یا باور می‌کند)، احساسی که فرد نسبت به نظام پیدا کند، از قبیل وفاداری، حس درک مسئولیت، تکلیف، آگاهی بر نقشی که باید در نظام سیاسی خاص ایفا کند و جامعه‌پذیری در سراسر زندگی فرد ادامه دارد. جامعه‌پذیری سیاسی موجب انتقال و دگرگونی فرهنگ سیاسی یک ملت می‌شود. فرهنگ سیاسی یک ملت نیز بر رفتار شهروندان و رهبران آن در سراسر نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد.

فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به وسیله کارگزاران مختلفی صورت می‌پذیرد که عبارتند از:

خانواده، گروه همسالان، مدرسه، محله، گروه‌ها، و وسایل ارتباط جمعی، روزنامه‌ها، مطبوعات، مجلات، رادیو، تلویزیون و وسایل نوین ارتباطی از جمله ابزارهایی هستند که به توسط آنها جامعه‌پذیری سیاسی صورت می‌پذیرد.

۳. طرح افکار عمومی: در مورد کارکرد سیاسی رسانه‌ها در زمینه افکار عمومی، مباحث بسیار زیادی مطرح شده است. اما در مجموع، در عصر حاضر همراه با گسترش وسایل ارتباط جمعی و باسواد شدن عامه مردم، افکار عمومی و مسایل پیرامون آن به یکی از مباحث اصلی رسانه‌ها انجامیده است و امروزه کمتر دولتی است که بتواند از آن سربلندی کند و یا آن را به حساب نیاورد.^۸ در واقع از هنگام ظهور حکومت‌های مردمی، افکار عمومی عمدتاً به صورت مرجعی نقاد پا به صحنه گذارده است. از این‌رو دولت‌ها تا آنجا که خود را متکی بر حاکمیت ملی می‌بینند، موظف به رعایت

افکار عمومی هستند. قطعاً در میان کانال‌های مهم، ابزار و طرح افکار عمومی رسانه‌ها کم‌هزینه‌ترین وسیله برای سلامت نگاه داشتن سیستم سیاسی است.^۹

تحول مبانی، ماهیت و افزایش قدرت فرد

تئوری یا افسانه قدرت، کهن‌ترین بخش فلسفه سیاسی سراسر تمدن انسانی است. با این حال اغتشاش مفهومی معمول در مورد مفاهیم علوم اجتماعی گریبانگیر مفهوم قدرت نیز شده است. برتراند راسل با تلقی قدرت به مثابه کمیتهی سنجش‌پذیر، آن را «توانایی تولید اثر مطلوب» تعریف می‌کند.^{۱۰} هانا آرنست قدرت را صرفاً متعلق به گروه دانسته و آن را هرگز خاصیتی فردی نمی‌انگارد. او قدرت را توانایی بر سر یک راه مشترک رفتار تفاهم و ارتباطی بدون قید و شرط می‌داند که مشارکت‌کنندگان این فرایند در جریان عمل ارتباطی با به‌کار بردن «عبارات گفتاری» جهت برقراری روابط غیر اجباری میان ذهنی رسیدن به توافق فسی‌نفسه را هدف خود می‌شمارند.^{۱۱} «برلو» هدف ارتباط را تلاش برای کاهش احتمال تأثیرپذیری صرف و افزایش احتمال اعمال قدرت دانسته و می‌نویسد: «مقصود اصلی ما در ارتباط آن است که به یک عامل تأثیرگذار تبدیل شویم، بر دیگران، بر محیط فیزیکی خود و بر خودمان تأثیر بگذاریم... کوتاه سخن آنکه، ارتباط برقرار می‌کنیم تا تأثیر بگذاریم، با آگاهی تأثیر بگذاریم»^{۱۲} نهایتاً قدرت، صرفنظر از تعاریف گوناگونی که دارد، چیزی نیست مگر وجهی از هر رابطه یا تمامی روابط میان افراد که در تمامی نظام‌های اجتماعی و در همه روابط انسانی وجود دارد. نتیجتاً آنجا که روابط انسانی همواره متأثر از فعل و انفعالات و عوامل گوناگون اجتماعی، طبیعی و تکنولوژیکی و در حال تغییر است، روابط قدرت نیز در فرایند دائمی تغییر قرار می‌گیرد.^{۱۳} دگرگونی مذکور به نوبه خود

■ آثار انقلاب ارتباطات

موجب می‌شود تا ساختار

شدیداً سلسله مراتبی قدرت

عوض شود. گسترش و

پراکندن وسایل و لوازم

اعمال قدرت در لایه‌ها و

بخش‌های گوناگون اجتماع،

موجب می‌شود که وسعت

دامنه، سیال بودن و تنوع

جریان‌های نظام قدرت،

دامنه گسترده‌تری از مردم

را در بر گرفته و به قشر

خاصی اختصاص نیابد.

متضمن سه گرایش عمده در نظام قدرت است: نخست جایجایی در منابع قدرت، دوم متحول شدن ترکیب ساختاری یا نحوه توزیع قدرت و سوم مفهوم ایستار و قدرت.

مطالعه مراحل مختلف سیر تکوینی نظام‌های حکومتی به عنوان بخشی از جریان کلی تمدن بشری و به مثابه سازمان‌یافته‌ترین شکل اعمال قدرت، مبین آن است که مجموعاً به عنوان نظام قدرت جامعه در هر مرحله از چارچوب ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. این کلیت نیز به نوبه خود تحت تأثیر رخدادهای حادث در فرایند و ساخت تعاملات اجتماعی به‌طور اعم و مناسبات قدرت به‌طور اخص تغییر می‌یابد.

الوین تافلر، با عنایت به تنوع و گستردگی دامنه ابزارها، اهرم‌ها و منابع قدرت اذعان می‌دارد، خشونت، ثروت و دانایی، منابع اصلی اندکی بیشتر منابع دیگر قدرت از آنها اشتقاق می‌یابند. به نظر وی علی‌رغم اینکه عناصر یادشده همواره در طول تاریخ در کنار هم حضور داشته‌اند اما در هر موج تحول جامعه بشری متناسب با نوع حکومت، اقتصاد و سیستم فرهنگی، یکی از آن میان صورت غالب بوده است که در موج بعدی متناظر با تغییر در بنیان‌های مذکور جای خود را به

یکی از سرچشمه‌های اصلی جایگزینی و در نتیجه تغییر در شبکه روابط قدرت، ابداعات و نوآوری‌های فنی یا انقلاب در زیرساخت‌های تکنولوژیکی جامعه است. این امر سبب جابجایی منابع قدرت گردیده و متعاقب آن دگرگونی شکل توزیع در رهیافت قدرت را در پی خواهد داشت.

در موج دوم تمدن بشری، قدرت مایه گرفته از فن‌آوری، تکنیک و دقت، جایگزین قدرت متکی بر سپر و شمشیر گردید. یا به عبارتی دیگر در این موج، ثروت، جانشین خشونت - که منبع قدرت

■ در عصر انقلاب اطلاعات،

شانس افراد برای

تأثیرگذاری و شانس

حکومت‌ها برای بقا و

استمرار حیات در گرو آن

است که بتوانند با ایجاد

ساز و کارها و نهادهای

متناسب ظرفیت و سرعت

دسترسی به اطلاعات و

پردازش آن را ارتقا بخشند.

موج اول تمدن بشری بود - گشت. اختراع چاپ به عنوان نقطه عطفی در فراگرد صنعتی شدن و احتمالاً یکی از ریشه‌های تاریخی انقلاب اطلاعات به نوبه خود تأثیر شگرفی بر نظام قدرت جامعه برجای نهاد. ابداع دستگاه‌های چاپ و استفاده از آن در جهت نشر افکار و عقاید مختلف منتهی به آن شد که سلطه انحصارطلبانه عده‌ای محدود از فضلالی قوم بر دانش از میان رفته و چشم‌بندی‌های کیمیاگران و دانش‌های افسانه‌ای و سحرآمیز و مخفی آنان پایان یابد زیرا پیشرفت این صنعت علوم را به صورت امری همگانی و در برابر دیدگان عموم در آورد. بدین ترتیب در

اوایل قرن هفدهم چاپ کتاب، یک جامعه و محیط اطلاعاتی کاملاً نوینی را پی افکند که در آن طلسم اقتدار کهن صاحبان دانش قدیم درهم شکسته شد. ۱۵

اینک انقلاب اطلاعات نیز به لحاظ ایجاد دگرگونی‌های دوران‌ساز بنیان‌های نظری و علمی تمدن صنعتی، نویدبخش جابجایی گسترده‌تری در نظام قدرت است که نظام‌های حکومتی و سیستم جهانی را دچار تغییرات اساسی کرده است.

به‌طورکلی، در وهله نخست، انقلاب اطلاعات دانایی را جایگزین ثروت و خشونت می‌سازد. بدین معنی که در آینده دانش و اطلاعات به مهمترین منبع قدرت مبدل شده و قدرت هر فرد، گروه اجتماعی یا کشور براساس ظرفیت داده‌پرداز و انباشت اطلاعات آن سنجیده خواهد شد. در واقع قدرت در جایی متمرکز می‌شود که بیشترین اطلاعات وجود دارد. بنابراین شانس افراد برای تأثیرگذاری و شانس حکومت‌ها برای بقا و استمرار حیات در گرو آن است که بتوانند با ایجاد ساز و کارها و نهادهای متناسب ظرفیت و سرعت دسترسی به اطلاعات و پردازش آن را ارتقا بخشند. ۱۶ در واقع اطلاعات بیشتر یک منبع اجتماعی ویژه است تا یک کالای تولید شده، منبعی که به سایر منابع اجازه مولد بودن می‌دهد، چون اطلاعات چشمگیر، تعیین‌کننده ارزش وجودی سایر منابع است. به هر حال اکنون مسلم شده است که دانایی عالی‌ترین منبع قدرت بوده و کنترل آن معمای دشوار منازعه جهانی قدرت در هدف‌های انسانی است. دگرگونی ساختار توزیع قدرت در ابعاد مختلف سیاسی - اقتصادی و صحنه‌های داخلی و بین‌المللی تحول عمده دیگری است که انقلاب اطلاعات در سپهر قدرت ایجاد کرده است. پیشرفت‌های اخیر در حوزه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی با انتشار و پراکندگی وسیع اطلاعات و قابل دسترسی ساختن آن برای اکثریت شهروندان ضمن ایجاد کانون‌های جدید

قدرت و نفوذ، دامنه و تأثیر بسیاری از مراکز ثقل قبلی را نیز تقلیل می‌دهد. «دقیقاً به همان سان که دانش اولیه پزشکی قدرت را از دست جادوگر قبيله درآورد، گسترش اطلاعات در مورد شیوه‌های گوناگون قدیمی، اعتبار برخی از مبانی قدرت را مورد تهدید قرار داده است.» ۱۷

هدف از آنچه که تاکنون در تحول قدرت در اثر انقلاب ارتباطات گفته شد، بررسی قدرت فرد در عرصه سیاست و فرایند اعمال حاکمیت است. تعمیق زمینه‌ها و آثار انقلاب ارتباطات و گرایش آن در جهت ایجاد یک نظام ماتریسی و غیرهرمی توزیع قدرت، موجب می‌شود تا ساختار شدیداً سلسله مراتبی قدرت عوض شود. انقلاب ارتباطات با گسترش و پراکندن وسایل و لوازم اعمال قدرت در لایه‌ها و بخش‌های گوناگون اجتماع موجب می‌شود که وسعت دامنه، سیالیت و تنوع جریان‌های اطلاعات نظام قدرت دامنه گسترده‌تری از مردم را دربرگرفته و به قشر خاصی اختصاص نیابد و دسترسی شهروندان به داده‌ها و اطلاعات بی‌شمار به آنها فرصت می‌دهد تا به اعمال تصمیم‌گیرندگان حکومت تأثیر بگذارند چرا که دستیابی به اطلاعات بیشتر به معنی توانایی کنترل افزون‌تر است. روبرو شدن فرد با گستره وسیعی از داده‌های مربوط به تحولات، هر لحظه او را در مقابل انگاره‌ها و عقاید گوناگونی قرار می‌دهد که ناگزیر است از میان آنها براساس علائق فردی و ذوق مستقل برخی را برگزیند و از پاره‌ای دیگر صرفنظر نماید. انقلاب ارتباطات به هر فردی تصویر پیچیده‌تری از خودش می‌دهد و باعث می‌شود تا هدایت افراد تنوع بیشتری پیدا می‌کند. این انقلاب فراگردی را که در آن افراد تصویر خود را یک به یک می‌آزمایند، تسریع می‌کند و در واقع به سرعت و شتاب آزمایش تصاویر متوالی می‌افزاید و به افراد امکان می‌دهد تا تصویبشان را به طریق الکترونیکی در معرض دید جهانی قرار دهند. ۱۸

افزایش قدرت فرد و کاهش کنترل اقتدار حکومتی در اثر وسایل نوین ارتباطی در چهار زمینه: تمرکززدایی، شفاف‌سازی عرصه حکومت، اجبار سیستم سیاسی به پاسخگویی و گسترش توانایی‌های نامزدهای انتخاباتی را می‌توان بررسی کرد که به اختصار هر یک از اینها را در ذیل بررسی می‌کنیم.

تمرکززدایی و کاهش اقتدار دولتی

ملموس‌ترین و عینی‌ترین ابعاد تمرکززدایی را می‌توان در تعدد و کثرت ابداعات و نوآوری‌های تکنولوژیکی مرتبط با دریافت، تولید و پردازش و مصرف اطلاعات دید. در صورتی که تمرکز حکومتی زمانی میسر است که تعداد دروازه‌هایی که از طریق آنها اطلاعات وارد سیستم سیاسی می‌شود، محدود باشد. گسترش حیرت‌آور تجهیزات الکترونیکی نظیر تلویزیون کابلی، ویدئو کاست‌ها، ضبط صوت، دستگاه‌های فتوکپی، فاکسی مایل، انواع دوربین‌های فیلمبرداری، کامپیوترهای شخصی و شبکه جهانی ارتباطات ماهواره‌ای و صداها اختراع دیگر جملگی گویای آن است که اولاً با افزایش تنوع ابزارهای ارتباطی - اطلاعاتی، قدرت شبکه‌های مرکزی کم شده و ارتباطات به سوی عدم تمرکز گام برمی‌دارد و ثانیاً مجموعه‌های تصمیم‌گیری که قبلاً با تعداد بسیار محدودی از منابع و گونه‌های اطلاعاتی روبرو بودند، ناگزیرند برای تطبیق با شرایط جدید و مقابله با گستره بسیار عظیم اطلاعات، خود را نامتمرکز کنند در غیراین صورت ظرفیت اندک نظام‌های تصمیم‌گیری هرگز نخواهد توانست وسعت پدیده‌های دگرگونی‌های دنیای بیرون را تحت پوشش قرار دهد.^{۱۹} از نقطه نظر ماهوی، اهمیت یافتن دانایی و اطلاعات به عنوان منبع اصلی قدرت، عنصر کانونی تمرکززدایی سیاسی قلمداد می‌شود. چشم‌انداز عصر اطلاعات بیانگر آن است که برای اعمال قدرت بیش

از هرچیز به شناخت نیاز بوده و در درازمدت آنچه به عنوان منابع کلیدی قدرت تکلیف هر کشوری را روشن می‌کند، محصولات کار مغزی، مانند پژوهش علمی و تکنولوژیکی، آموزش نیروی کار، نرم‌افزار پیشرفته، ارتباطات پیشرفته و نظام مالی الکترونیکی است.^{۲۰} تحقق این امر به نوبه خود موجب می‌شود تا با عنایت به زاینده‌گی و پایان ناپذیری اطلاعات و نقش تکنولوژیهای نوین در گستردن و انتشار آن میان بخش‌های مختلف دیوانسالاری و نظام تصمیم‌گیری، تعداد بیشتری به لحاظ دسترسی به اطلاعات بتوانند در فرایند سیاستگذاری و

می‌شود. به‌طور کلی گسترش روزافزون تکنولوژی‌های اطلاعاتی، سیل بسیار عظیمی از داده‌ها را به سوی تصمیم‌گیرندگان روانه می‌کند. این حجم زیاد اطلاعات، نظام‌های حکومتی را ملزم می‌کند به عناصر ذی‌صلاح بیشتری رخصت دهد تا در پردازش و ارزیابی اطلاعات دخالت نمایند. آنچه در درون این حجم وسیع داده‌ها ایجاد می‌شود، تنوع است. تحت شرایطی که انقلاب ارتباطی حجم گسترده‌ای از اطلاعات متنوع را به جانب ساختار تصمیم‌گیری جاری می‌کند، به دلیل افزایش پیچیدگی

■ افزایش آگاهی‌های عمومی شهروندان و تقویت حس مشارکت سیاسی در آنان یک عامل زیربنایی به‌شمار می‌رود که نخبگان را وامی‌دارد تا نظریات و علائق گروه‌ها و دستجات غیردولتی را نیز در فرایند تصمیم‌گیری دخالت دهند.

■ دسترسی افراد به اطلاعات و شفاف‌بودن عرصه سیاست، منتهی به پاسخ‌گویی نظام سیاسی می‌شود.

■ انقلاب اطلاعات، در وهله نخست، دانایی را جایگزین ثروت و خشونت می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اخذ تصمیم‌درگیر شوند. این دقیقاً همانند موج دوم تمدن بشری است که طی آن، فن سالاران با توجه به تخصصشان، کم‌کم عرصه تصمیم‌گیری به ویژه حوزه سیاست را در اختیار گرفتند. همچنین تنوع جریان‌های اطلاعاتی ضمن ایجاد گروه‌های تخصصی که هر یک در حوزه‌های خاصی صاحب نظرند به آنها فرصت می‌دهد تا برحسب تخصص خود به تصمیم‌گیری و مشارکت بپردازند. نتیجتاً، با توسعه کاربرد ابزارهای ارتباطی، توزیع گسترده اطلاعات و ایجاد کانون‌های بی‌شمار برخوردار از قدرت دانایی، نوعی سیستم غیرمتمرکز در جامعه ایجاد

فتی بسیاری از داده‌های مربوطه، یک رهبر یا گروهی از نخبگان هرگز قادر نخواهند بود یک کارشناس حقیقی و اصلی در همه رشته‌های تکنولوژی نظامی، محاسبه‌گری قیمت، مانورهای سیاسی، تورم پولی، حمل و نقل شهری و... باشند. در کنار حجم و تنوع، سومین مسأله، سرعت است. امروزه تغییر بسیار سریع به مکانیسمی نیازمندست که بتواند در اسرع وقت اطلاعات موردنیاز را در یافت، پردازش و تصمیم‌هایی همانقدر سریع اتخاذ نماید.^{۲۱} بنابراین چنین عملی، افراد زیاد و در عین حال متخصص می‌طلبد و دیوانسالاری‌ها خود را باید منعطف کنند.

حکومت است. ۲۶ و این عمل رابطه‌ای خاص با مشروعیت آنان دارد. گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و تأسیس بزرگراه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های جهانی خبری، موجب ایجاد رخنه در درون ساختار حکومت‌ها شده و هرگونه اعمال سیاست پنهان‌کاری و مخفی‌سازی را بسیار مشکل می‌سازد. این وسایل جدید ارتباطی شهروندان داخلی و البته سایر اتباع دولت‌ها را قادر می‌کند با توسل به این ابزارها به حریم ممنوعه حکومت رخنه کرده و نسبت به تحولات و رخدادهای سیاسی - اجتماعی جاری مطلع شوند.

شفاف‌سازی جامعه به‌ویژه عرصه حکومت، مهمترین ویژگی انقلاب اطلاعات است که یک قسمت گسترده آن مربوط به جهانی بودن این شبکه است. هر اندازه این رسانه‌های پخش اطلاعات در سطح کره زمین را به صورتی وسیع‌تر تحت پوشش قرار دهند، حفظ اطلاعات در یک حوزه خاص غیرممکن‌تر می‌شود. وابستگی فزاینده بین‌المللی و تأثیرپذیری متقابل تمام نقاط دنیا از تحولات سراسر گیتی موجب می‌شود، افراد خواستار اطلاعات فراوانی در مورد عملکرد دولت‌ها باشند. این مسأله که تأثیرپذیری زندگی شهروندان از عملکرد دولت‌هاست منجر به آن شده که بسیاری از اندیشمندان منافع اولیه انقلاب اطلاعات را متوجه شهروندان جهان بدانند.

از نقطه نظر تحلیلی می‌توان نقش انقلاب اطلاعات را در شفاف‌سازی عرصه حکومت با چگونگی «بازخوران» در رهیافت سیستمی قابل مقایسه دانست. در نظام‌های دموکراتیک، عمل «بازخوران» توسط احزاب سیاسی و رسانه‌های گروهی مستقل صورت می‌گیرد. با بازخوران منفی و مثبت زمینه تعادل نظام سیاسی پیش می‌آید. اما در صورتی که در نظامی فرایند بازخوران با مکانیزم‌های فوق انجام نگیرد، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی با برجسته‌سازی مشکلات چنین

«رهبران امروز مجبورند در چارچوب نهادهای موج دومی کار کنند که توانایی تصمیم‌گیری سریع را ندارند، شتاب تحول وقایع از تصمیم‌گیری زیادتر است و ساختارهای سیاسی باید موج سومی بشوند.»^{۲۲}

در جلوه ساختاری، افزایش آگاهی‌های عمومی شهروندان و تقویت حس مشارکت سیاسی در آنان یک عامل زیربنایی به‌شمار می‌رود که نخبگان را وامی‌دارد تا نظریات و علائق گروه‌ها و دستجات غیردولتی را نیز در فرایند تصمیم‌گیری دخالت دهند. به یمن استفاده از وسایل جدید ارتباطی و کانال‌های متنوع و فراوان ارتباطی، دنیایی را پدید آورده است که نظام حاکم را «باز» کرده است. همچنین امروزه گسترش دستاوردهای انقلاب اطلاعات از جمله میکروکامپیوترها باعث شده است تعداد بیشتری از شهروندان را به خدمت بگیرند. تکوین این تحول ضمن تمرکززدایی از ساختار ارتباطی جامعه با توسعه جریان‌های اطلاعات، شهروندان را آماده می‌سازد تا به اطلاعات بیشتر درباره نحوه عمل حکومت‌هایشان دسترسی پیدا کنند و بدین ترتیب مشارکت افزونتری را در فراگرد سیاستگذاری طالب شوند.

اهمیت فزاینده ابزارهای الکترونیکی و ارتباطی در دگرگون ساختن شیوه‌های مشارکت سیاسی، بسیاری از محققان را برآن داشته است تا به منظور تبیین و پیش‌بینی اشکال نوین حکومتی و تأکید بر نقش اطلاعات در تکوین آنها، اصطلاحاتی نظیر «انتخابات از طریق وسایل ارتباطی دوربرد»^{۲۳} و «دموکراسی مبتنی بر ارتباطات راه دور»^{۲۴} را رایج نمایند.^{۲۵}

شفاف‌سازی عرصه حکومت

ویژگی اصلی دولت‌هایی که حاکمیت را به شیوه متمرکز اعمال می‌کنند، مخفی‌سازی و پنهان نگهداشتن اخبار و اطلاعات مربوط به جامعه و عملکرد

■ چشم‌انداز عصر اطلاعات
بیانگر آن است که در
درازمدت آنچه به عنوان
منابع کلیدی قدرت، تکلیف
هر کشوری را روشن می‌کند،
محصولات کار مغزی، مانند
پژوهش علمی و
تکنولوژیکی، آموزش
نیروی کار، نرم‌افزار
پیشرفته، ارتباطات
پیشرفته و نظام مالی
الکترونیکی است.
■ با توسعه کاربرد
ابزارهای ارتباطی، توزیع
گسترده اطلاعات و ایجاد
کانون‌های بی‌شمار
برخوردار از قدرت دانایی،
نوعی سیستم غیرمتمرکز
در جامعه ایجاد می‌شود.

نظام‌هایی و انتشار اخبار مربوط به آنها، رهبرانشان را مجبور می‌کنند تا تعدیل‌ها و عقب‌نشینی‌هایی را در نظرات و سیاست‌های خود بپذیرند.

انقلاب ارتباطات موجب شده تا نظام تصمیم‌گیری حکومت‌ها در زیر ذره‌بین افراد داخل و خارج کشور قرار بگیرد و سیاست‌گذاری‌ها در کاخ‌های شیشه‌ای انجام پذیرد که از همه سو در معرض دید افراد قرار دارد. در موقعیت جدید حتی محرمانه‌ترین گفت‌وگوها در امنیت برگزار نشده و فاش می‌گردد. برای نمونه،

دارای «حق» و حکومت شوندگان از «حقوق» چندانی برخوردار نبوده‌اند. مسأله حقوق حکومت شوندگان و پاسخ‌گویی دولت پس از تحولات زیادی که طی قرون گذشته صورت گرفته، کم‌کم مطرح شد، که با پیدایش رسانه‌های نوین ارتباطی و دست یافتن افراد به درون کاخ سیاست و شفاف شدن آن عرصه، تشدید شده است.

در کلیه نظام‌های سیاسی مجموعه‌ای از نهادهای تصمیم‌گیری وجود دارد که وظیفه آنها، دریافت اطلاعات از محیط و

چارچوب پنداشته‌های قبلی ارزیابی نموده و براساس آن تصمیماتی اخذ می‌شود. میزان اطلاعات وارده به سیستم را «بار» و ظرفیت پاسخ‌گویی به اطلاعات دریافتی را «توانایی» می‌نامند. هر اندازه که بار یا حجم اطلاعات افزون‌تر و وسیع‌تر باشد، برای ارائه پاسخ مناسب‌تر به توانایی بیشتری نیازمند است. مناسبات میان بار و توانایی از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا موازنه بارها و توانایی‌ها، عنصر تعیین‌کننده قابلیت سیستم سیاسی برای ثبات و تداوم حیات



ماهواره‌ها، سخنان حافظ اسد و صدام حسین را که قبل از شروع تهاجم عراق به کویت به اصطلاح پشت درهای بسته صورت گرفت، از ارتعاش‌های نامرئی شیشه پنجره‌های اتاق محل گفت‌وگو با کمک کارشناسان متخصص خواندند.

اجبار سیستم سیاسی به پاسخ‌گویی دسترسی افراد به اطلاعات و شفاف بودن عرصه سیاست منتهی به پاسخ‌گویی نظام سیاسی می‌شود. پاسخ‌گویی نظام سیاسی در عمل تاریخچه کوتاهی دارد. در بخش اعظمی از تاریخ بشر اغلب حاکمان

پردازش آنها جهت اخذ تصمیمات ضروری است. از این رو می‌توان تا حدی فرایند تصمیم‌گیری سیاسی را به یک نظام سبیرنتیک تشبیه نمود که طی آن با اتکا به رشته‌ای از فرایندهای ارتباطی داده‌های معینی از محیط دریافت می‌شود، اطلاعات مورد پردازش قرار گرفته و به نوبه خود به صورت داده‌هایی از سوی نظام وارد محیط می‌شود. یک سیستم سبیرنتیک مجموعه‌ای هدفمند و مشتمل بر ساختارهای هدایت‌کننده‌ای است که آنها را حوزه‌های تصمیم‌گیری می‌نامند. این حوزه‌ها اطلاعات دریافت شده را در

آن به شمار می‌رود. مضافاً تصمیمات در واقع به عنوان ترتیبات و تلاش‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که هدف آنها متوازن سازی رابطه بارها و توانایی‌ها است. براین اساس سرعت، کارایی و تنوع ساختاری مجموعه‌های تصمیم‌گیری در حصول هدف مذکور و نهایتاً تأمین شرایط بقای نظام سیاسی از اهمیتی حیاتی برخوردار است. چنانکه تصمیم‌گیرندگان نتوانند از عهده بارها برآیند، ادامه موجودیت سیستم محل تردید خواهد بود. انقلاب ارتباطات و وسایل نوین

ارتباطی موجب شده است کانال‌های متعددی برای بیان تقاضا از محیط داخلی و محیط خارجی به سوی نظام سیاسی ایجاد می‌شود. این کانال‌ها از یک طرف تقاضاهای داخلی را تشدید می‌کنند و از سوی دیگر تقاضای بیشتری از محیط بین‌المللی وارد نظام سیاسی می‌شود. این افزایش تقاضاها همچنین ناشی از افزایش اطلاعات افراد و افزایش قدرت آنان نیز می‌باشد.

اختراع وسایل نوین ارتباطی قدرت دروازه‌بانی را از سیستم گرفته و به صورت‌های مختلف کانال‌های متفاوتی را برای بیان تقاضا ایجاد کرده که از کنترل دولت خارج هستند. وجود تعداد زیاد کانال‌ها، خود به خود حجم زیاد اطلاعات رد و بدل شده را فراهم می‌آورد. حجم زیاد اطلاعات یک نوع افزایش انتظار و یا به اصطلاح انقلاب انتظارات را فراهم می‌آورد.

انتظارات مردم از یک سو مبین شعاع عمل قوای ادراکی یا حجم ذخایر و اندوخته‌های اطلاعاتی آنهاست و از سوی دیگر فشارهای وارده بر توانایی‌های حکومت در حوزه‌های مختلف عمل سیاسی نظیر مناسبات اجتماعی، استخراج منابع و امکانات، توزیع ارزش‌ها و فرصت‌ها و بهره‌گیری از سمبل‌ها و پاسخ‌گویی به تقاضاها را مشخص می‌کند. در واقع افزایش آگاهی‌های شهروندان نسبت به مقتضیات محیطی و جهان پیرامون به منزله بسط دامنه نیازهای فردی و جمعی بوده، این امر به نوبه خود تشدید فشارهای معطوف به نظام سیاسی را جهت پاسخ‌گویی سبب خواهد شد. با اشاعه اطلاعات می‌توان مردم را از احتیاجات و نیازمندی‌های طبیعی‌شان در وهله اول و سپس نیازهای اجتماعی‌شان باخبر ساخت و به آنها فرصت داد که در پرتو اطلاعات جدید رفتار و وضعیت خویش و میزان پاسخ‌گویی دولت در برآوردن آنها را مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار دهند.

کانال‌های ارتباطی جدید (اینترنت، تله‌فاکس، ماهواره و...) موجب افزایش تقاضا می‌شوند. تقاضا وارد یک سیستم سیاسی می‌شود. این تقاضا که به صورت «نهاد» وارد یک سیستم می‌شود مورد پردازش قرار می‌گیرد. اگر چنانچه سیستمی از امکانات پردازش و توانایی آن برخوردار باشد، و بتواند تعادلی میان «نهاد» و «داده» را به وجود بیاورد، می‌تواند ثبات خود را حفظ کرده و در نتیجه حکومت آن نظام پایدار بماند. هرچه تفاوت میان نهاد و داده سیستم زیاد باشد و سیستم سیاسی نتواند نسبت به تقاضای ایجاد شده، پاسخگو باشد، آن سیستم دچار بی‌ثباتی می‌شود. همچنان‌که گفته شد این تقاضاهای متنوع و سنگین و یا به اصطلاح «بار» سیستم در اثر کانال‌های نوین ارتباطی ایجاد شده‌اند. پردازش آنها نیز مستلزم مقدمات و ابزارهایی است که در اینجا نیز رسانه‌های نوین ارتباطی می‌توانند نقش ویژه‌ای در کمک به نظام سیاسی برای پاسخ‌گویی ایجاد کنند.

نظام‌های سیاسی در برخورد با تقاضاهای جدید به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول نظام‌های سیاسی متمرکزی هستند که سعی می‌کنند با این جریان تقاضاها به مقاومت برخاسته و می‌کوشند آن را کنترل نمایند. این نوع سیستم‌های سیاسی چون قادر به بستن کلیه مجاری ارتباطی جدید نیستند، دچار بحران رسوخ‌پذیری می‌شوند. در چنین وضعیتی، سیستم به لحاظ عقب‌افتادگی و یا ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای برآمده جامعه، خود را از دریافت اطلاعات نامطلوب محروم می‌سازد. در نتیجه به جای آنکه دولتمردان به حل تدریجی معضلات درونی و یا محیطی نظام اقدام کنند، نسبت به جلوگیری از ابراز خواسته‌ها، اقدام می‌کنند. بدین ترتیب نظام طی زمان حالت کارکردی خود را از دست می‌دهد و ابتدا بی‌کارکرد و سپس ناکارکرد می‌شود. معمولاً زمانی که یک نظام سیاسی دارای چنین بحرانی می‌شود،

■ تحول در عرصه ارتباطات، شهروندان را آماده می‌سازد تا به اطلاعات بیشتر درباره نحوه عمل حکومت‌هایشان دسترسی پیدا کنند و بدین ترتیب مشارکت افزونتری را در فراگرد سیاستگذاری طالب شوند.

■ اهمیت فزاینده ابزارهای الکترونیکی و ارتباطی در دگرگون ساختن شیوه‌های مشارکت سیاسی، اصطلاحاتی نظیر «انتخابات از طریق وسایل ارتباطی دوربرد» و «دموکراسی مبتنی بر ارتباطات راه دور» را وارد جامعه کرده است.

دولتمردان آن مجبورند برای حفظ خود در قدرت به سرکوب یا استخراج قدرت از مردم روی آورند.^{۲۷}

به عبارت بهتر می‌توان عکس‌العمل نظام سیاسی در مقابل تقاضاهای جدید را در تفکر سیستمی به این صورت مطرح کرد که «ایست سیاسی نسبت به تقاضاها امکان دارد به صورت سرکوب، بی‌تفاوتی یا جایگزینی و تدارکات اقدام کند»^{۲۸}

سرکوب تقاضا، احتیاج به افزایش توانایی تنظیمی (کنترلی) نظام سیاسی دارد. بی‌تفاوتی ممکن است باعث فشار بیشتر بر نظام سیاسی شود و تقاضاهای جدیدتری را مطرح کند. پاسخ‌های جانشین امکان دارد به صورت گروه‌های انحرافی از تقاضاهایشان برای مشارکت بیشتر یا رفاه بیشتر از طریق بزرگتر کردن یا توسعه نیازها و تقاضاهایشان برای هویت ملی از طریق سیاست خارجی پرخاشگرانه همراه باشد و یا ممکن است پاسخ جانشین به صورت فراهم آوردن رفاه بیشتر بدون بزرگتر کردن تقاضا برای مشارکت بیشتر صورت پذیرد و در نهایت پاسخ تدارکاتی از جانب نخبگان به صورت داده‌ها یا دگرگونی‌های ساختاری که از پاره‌ای جهات باعث ارضای تقاضاها نسبت به نظام سیاسی می‌شود، شکل می‌گیرد.^{۲۹} هرکدام از پاسخ‌های فوق که از جانب نخبگان صورت می‌پذیرد، مسایل مختلفی به همراه دارد. برای مثال، هنگامی که نخبگان به سرکوبی تقاضاها می‌پردازند و از وسایل جدید ارتباطی نظیر کامپیوتر برای گسترش حوزه کنترل خود استفاده می‌کنند، وجود همین کانال‌های ارتباطی به افراد فرصت می‌دهد که مسایل داخلی را به بیرون انتقال دهند. اولین مانع برای نخبگان سرکوبگر، افکار جهانی تولیدشده در همین راه است. هر اندازه افکار عمومی بیشتر کانون توجه قرار گیرد و مجال مشارکت واقعی بیابد به همان اندازه حکومت از کاربرد خشونت پرهیز نموده و مجبور به پاسخ‌گویی می‌شود. شرط اساسی برای شکل‌گیری افکار عمومی،

فعالیت گروه‌های متفاوت است که دارای افکار مختلف و بعضاً متعارض بوده که با هم کنش اجتماعی متقابل دارند.^{۳۰} و این با افزایش آگاهی افراد به واسطه وسایل نوین ارتباطی بیشتر امکانپذیر است.

سرکوبی تقاضا نهایتاً منجر به دخالت نیروهای بین‌المللی می‌شود که از توانایی کنترلی بالایی برخوردارند.

پاسخ جایگزینی و ایجاد تقاضاهای مصنوعی به جای مردم نیز با وجود همین رسانه‌ها نمی‌تواند بلندمدت باشد. بی‌تفاوتی هم با توجه به جدی بودن این

تکنولوژی اطلاعات و بسط شبکه‌های جهانی ارتباطات در دهه‌های اخیر به خلق‌های ستم‌دیده شوروی سابق امکان داد تا آگاهی‌های بیشتری نسبت به محرومیت‌های خویش کسب نموده و نتیجتاً جهت متوقف ساختن آن، شرایط و امکانات جدیدی از حکومت درخواست نمایند. اگرچه ممکن است حوادث شوروی متأثر از گلاسنوست و پروسترویکا دانسته شود اما حقیقت آن است که یک وضعیت جبری برای شوروی پیش آمده بود و این کشور قادر به

■ ویژگی اصلی دولتهایی که حاکمیت را به شیوه متمرکز اعمال می‌کنند، مخفی‌سازی و پنهان نگه‌داشتن اخبار و اطلاعات مربوط به جامعه و عملکرد حکومت است.

■ گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و تأسیس بزرگراه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های جهانی خبری، موجب ایجاد رخنه در درون ساختار حکومت‌ها شده و هرگونه اعمال سیاست پنهان‌کاری و مخفی‌سازی را بسیار مشکل می‌سازد.

■ انقلاب ارتباطات موجب شده تا نظام تصمیم‌گیری حکومت‌ها در زیر ذره‌بین افراد داخل و خارج کشور قرار بگیرد و سیاستگذاری‌ها در کاخ‌های شیشه‌ای انجام گیرد که از همه سو در معرض دید افراد است.

تقاضاها متغی است. پاسخ تدارکاتی به تقاضاهای جدید نیز که مستلزم دگرگونی ساختاری است نیاز به زمینه‌هایی دارد که قبلاً باید حل شده باشد. مثلاً تفکیک ساختاری و بوروکراسی قوی که از یک طرف وجود آن مستلزم کاربرد وسایل نوین ارتباطی است و از طرف دیگر مستلزم طی کردن مرحله طولانی است را نمی‌توان یک شبه ایجاد نمود.

برای روشن شدن بحث، چند نمونه مسایلی که طی چندسال اخیر در این رابطه رخ داده را بررسی می‌کنیم. توسعه

پاسخ‌گویی به تقاضاهای جدید نبود و حتی اگر این مسایل توسط گورباچف هم اعلام نمی‌شد، اینها اجباراً مطرح می‌شدند. جنبش دانشجویی ۱۵ آوریل ۱۹۸۹ میدان «تین آن من» پکن نمونه عینی دیگری است از افزایش تقاضاها و نقشی که رسانه‌ها در این زمینه ایفا می‌کنند و دولت‌ها را مجبور به پاسخ‌گویی می‌کنند. طغیان مزبور که به دنبال اعلام مرگ «نویا ثوبنگ» دبیرکل معزول حزب کمونیست چین آغاز شد، باعث شد دانشجویان پکن به خیابان‌ها ریخته و

خواهان اصلاحاتی شوند. در واقع انقلاب دانشجویی چین، انقلابی در رشد انتظارات بود.^{۳۱}

افزایش دسترسی به ابزارهای اطلاعاتی برای شهروندان چین، این زمینه را فراهم ساخت که بتوانند از طریق کسب اطلاعات و داده‌های بیشتری، راجع به دنیای پیرامون، تقاضاهای جدیدی را مطرح کنند و پاسخ سرکوبی که از طرف حکومت به آنها داده شد به واسطه همین وسایل ارتباطی سریعاً در دنیا منتشر شد. فقط برای نمونه یک دانشجوی چینی در دانشگاه هاروارد «خط داغ» (Hot Line) میان پکن و بوستون را به راه انداخت. این خط ارتباط تلفنی بازی بود که بیست و چهارساعته خبرها را از میدان تین آن من به آپارتمان کوچکش در نزدیکی هاروارد انتقال می‌داد و از آنجا به وسیله تلفن و فاکس و کامپیوتر به دست تمامی دانشجویان چینی سرتاسر آمریکا می‌رسید.

شرکت افراد در فرایند سیاسی و گسترش توانایی‌های نامزدهای انتخابات

برای قرن‌ها، ماهیت متمرکز اعمال حاکمیت با پشتوانه‌های فلسفی و نظری، کوچکترین فضایی برای فعالیت افراد در عرصه سیاست نگذاشته بود. ظهور تدریجی وسایل ارتباطی باعث دخالت بیشتر افراد در سیاست گردید و هرچه این وسایل رشد می‌یابد، قدرت افراد به عنوان رأی دهندگان و کاندیدای برتر افزایش می‌یابد.

با ابداع رسانه‌های چاپی و گسترش چاپخانه‌ها در سراسر اروپا در اواخر سده شانزدهم، امکان فنی برای شرکت افراد در فرایند سیاسی به وجود آمد اما خبرهای چاپی و عقاید سیاسی تا اواسط سال‌های ۱۷۰۰- و در بسیاری از کشورها از آن هم دیرتر- در دسترس افراد نبود و آنها دخالت

کمتری در فرایند سیاسی داشتند. بتدریج اوراق و جزوه‌ها به عنوان شکل‌های مهم ارتباطات در قرن هجدهم وسیله دخالت افراد در فرایند سیاسی شد. قرن نوزدهم شاهد دو تحول عمده در فرایند شرکت افراد در سیاست شد: نخست ظهور حزب سیاسی. به عنوان نهاد مرکزی شکل‌گیری و دستکاری افکار و دوم رشد بنیادی روزنامه‌ها به عنوان بستر ارتباطات سیاسی بتدریج که احزاب محل نهادی و اصلی بیان سیاسی شدند، روزنامه‌ها به صورت رسانه و وسیله عمده دخالت افراد در سیاست درآمدند. تلاش برای به دست آوردن حق رأی، مردم بیشتری را به زندگی سیاسی علاقه‌مند کرد و باعث شد که بخواهند اطلاعات بیشتری درباره آن بدست آورند که این خود باعث پیشرفت روزنامه‌های سیاسی شد، روزنامه‌ها پس از چند قرن، امروزه در اکثر کشورها به عنوان یکی از اصلی‌ترین وسایل ابراز نظر و دخالت در فرایند سیاسی تبدیل شده است.^{۳۲}

قرن بیستم و ظهور وسایل ارتباطی چون رادیو و تلویزیون در ابتدا تا حدودی فرایند دخالت افراد در سیاست را عوض کرد زیرا رادیو و تلویزیون در ابتدا به عنوان رسانه‌های ارتباطی تحت کنترل دولت بودند. تغییراتی که امروزه در نظام ارتباطی جهان به وجود آمده، تلویزیون را از وضعیت قبلی خارج و حالتی نامتمرکز به آن داده است. رادیوهای بیگانه با فرستادن امواج به آن سوی کره خاکی، اقتدار دولت‌ها را به چالش طلبیده‌اند. تعاملی بودن رسانه‌های جدید مانند سیستم‌های کابلی دو طرفه، تعداد شبکه‌های ارتباطی عمودی و مؤثرتری را بین توده‌ها و حکومت ایجاد کرده و جای ایجاد شبکه‌های افقی بین مردم و گروه‌ها، می‌پوشاند. مناظره‌های رادیو تلویزیونی بین نامزدهای رقیب با استفاده از شیوه‌هایی که از زمان باستان تکامل

■ هراندازه افکار عمومی بیشتر کانون توجه قرار گیرد و مجال مشارکت واقعی بیابد به همان اندازه حکومت از کاربرد خشونت پرهیز نموده و مجبور به پاسخ‌گویی می‌شود.
■ قرن نوزدهم شاهد دو تحول عمده در فرایند شرکت افراد در سیاست شد: نخست ظهور حزب سیاسی به عنوان نهاد مرکزی شکل‌گیری و دستکاری افکار و دوم رشد بنیادی روزنامه‌ها به عنوان بستر ارتباطات سیاسی.

یافته‌اند. امروزه قدرت زیادی به نامزدهای انتخاباتی و آگاهی یافتن افراد جامعه به منظور بهتر انتخاب بخشیده است.

مناظرات سیاسی یک شکل مشخصی از ارتباط سیاسی را تشکیل می‌دهند که رأی‌دهندگان از طریق آن امکان ارزیابی صلاحیت نامزدها را پیدا کرده و موضع آنها را درباره مسایل مقایسه کنند. حتی کسانی که علاقه‌چندانی هم به سیاست نشان نمی‌دهند، به مناظره گوش می‌دهند. این یکی از روش‌های بالارفتن آگاهی‌های جامعه به منظور شرکت در اعمال حاکمیت و دخالت در فرایند سیاست است و از طرف دیگر کسانی که به عنوان نامزد انتخاباتی به مناظره می‌پردازند، با کمترین هزینه و زمان، قدرت مانور بیشتری دارند که در هر دو صورت به دخالت بیشتر فرد در فرایند سیاسی می‌انجامد.

تأثیر مناظره‌های تلویزیونی از آنجا بیشتر می‌شود که درصد رأی‌دهندگان تصمیم نگرفته در حال افزایش است و بیشتر رأی‌دهندگان در مراحل آخر یک مبارزه انتخاباتی تصمیم می‌گیرند. عده‌ای در مورد مناظره‌های رادیو - تلویزیونی معتقدند که این وسایل جای احزاب را می‌گیرند دموکراسی الکترونیکی، عنوانی است که اخیراً به دستاورد رسانه‌های نوین ارتباطی برای شرکت در فرایند سیاست، انتخاب شده است. در اینجا نظر بر این است که حتی ممکن است روزی چندبار رأی‌گیری با توسل به همین وسایل پیرامون هر مسأله‌ای امکانپذیر باشد.

نتیجه‌گیری

حدود اختیارات فرد و حکومت یکی از مباحث دیرینه فلسفه سیاسی است. اندیشه‌ها، رویدادها و اتفاقاتی که در طول تاریخ بشر رخ داده است آثار متفاوتی بر رابطه فوق به جای گذاشته است. در اواخر قرن بیستم و شروع هزاره سوم میلادی، در

اثر وقوع انقلاب ارتباطات، این رابطه دوباره متحول شد. رسانه‌های ارتباطی جدید که ماحصل انقلاب ارتباط هستند، دارای ویژگی‌هایی هستند که شدیداً قدرت فرد و حکومت را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. این رسانه‌ها با تحول در مبانی و ماهیت قدرت فرد، تمرکززدایی از حکومت، شفاف‌کردن عرصه سیاست و حاکمیت و ایجاد کانال‌های مهم برای ابراز تقاضا موجب پاسخ‌گویی دولت‌ها و اجبار آنها به این کار شده‌اند. مجموع عوامل فوق باعث شده که فرد در فرایند سیاسی نسبت به گذشته از قدرت بیشتری برخوردار باشد و سود این وسایل ارتباطی در وهله اول به افراد رسیده است. □

* انقلاب ارتباطات و انقلاب کنترل. عنوان مقاله دیگری است که آن روی سکه یعنی قدرت کنترل دولت به واسطه رسانه‌های نوین ارتباطی بر روی افراد را مورد بررسی قرار می‌دهد.
پی‌نویس‌ها:

۱. نصر پورحسن، انقلاب ارتباطات و تحول مفهوم حاکمیت. رساله کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، تابستان ۱۳۷۶، صص ۴۶-۲۴.

2. David Easton; A system Analysis of political Life: (New Yourk: John Wile, 1965) PP. 57-69.

۳. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۸) ص ۷۲.

۴. استوارت ازکمپ، روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹) ص ۴۵۲.

5. Socialization.
6. Political Socialization.

۷. بینگهم پاول و گابریل آلموند، «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی». ترجمه علیرضا طبیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال یازدهم، ش پنجم و ششم (بهمن و اسفند ۱۳۷۵) ص ۲۲.

۸. علی اسدی، «رسانه‌ها و توسعه فرهنگی» مجله رسانه، سال دوم، ش ۵، بهار ۱۳۷۰، ص ۴.

9. Jurgen Habermas, the Structural transformation of the public sphere, Trans thoms Burger (Britian, polity press, 1998) pp. 236-244.

۱۰. برتراند رسل، قدرت، ترجمه نجف دریابندی (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۷) ص ۲۶.

۱۱. استیون لوکس، قدرت فزائنی یا شریطانی، ترجمه فرهنگ رحیمی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰) صص ۱۳۲-۹۵.

۱۲. سن مک‌برید، یک جوان چندین صد، ترجمه ایرج باد (تهران: سروش، ۱۳۷۵) ص ۲۵۵.

۱۳. الوین تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی (تهران: مترجم، ۱۳۷۰) جلد دوم، ص ۷۷۹.

۱۴. هسان، ص ۸۰۰.

۱۵. نیل پستمن، تکنوبنی، ترجمه صادق طوطی (تهران: سروش، ۱۳۷۳) ص ۹۲.

۱۶. آنتونی اسمیت، ژئوپلیتیک اطلاعات، ترجمه فریدون شیروانی (تهران: سروش، ۱۳۶۹) ص ۱۶۹.

۱۷. والتر ب. وریسون، پیشرفت تکنولوژی و حاکمیت دولت‌ها، ترجمه علیرضا طبیب، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ش ۳۰، سال سوم، ش هشتم، مرداد و شهریور ۱۳۶۸، ص ۲۱.

۱۸. الوین تافلر، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: مترجم، ۱۳۷۱، ص ۵۳۹.

۱۹. هسان، ص ۵۵۹.

۲۰. الوین تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی (تهران: مترجم، ۱۳۷۰)، جلد اول، ص ۲۸۵.

۲۱. الوین تافلر، موج سوم، پیشین، ص ۵۶۳.

22. Let the digital age bloom, the Economist, feb 25 th, 1995.

23. Televoting.

24. Tele democracy.

25. Democracy and technology the Economist, June. 17 th 1995.

۲۶. ژان لویی، سروان شرایبر، نیروی پیام، ترجمه سروش حبیبی (تهران: سروش، ۱۳۵۵) ص ۳۸.

۲۷. سیدحسین سینا زاده، «تأملی نظری به توسعه نیفتگی سیاسی بر فروپاشی شوروی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، ش سوم، زمستان ۱۳۷۱، ص ۵۱.

28. Almond G. and powell g. comparative politics: A Developmental Approach, Boston: Little Brown and co, 2-d, 1978, p. 205.

29. Ibid, p 207.

۳۰. علی اسدی، افکار عمومی و ارتباطات (تهران: سروش، ۱۳۶۹) ص ۶۱.

۳۱. بهزاد شاهد، «جنبش دموکراسی و کادر رهبری چین»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۳، سال چهارم، ش سوم، دی و بهمن ۱۳۶۸، صص ۱۷-۱۶.

۳۲. هسید، ش. هیلومیت، «ارتباطات سیاسی و رسانه‌های جدید»، ترجمه کسبایی، رسانه سال هشتم، ش ۱، تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۳.